

جمعیت‌های حسابداران شد و اولین آنها در ۱۸۸۲ در نیویورک تأسیس یافت و در ۱۸۹۶ قانون مخصوصی عنوان رسمی کارشناس حسابداری را بکسانی اختصاص داد که با داشتن شرایط معینی از عهده امتحانهای مخصوص بر آیند و از رئیس دانشگاه نیویورک گواهنامه دریافت دارند پس از آن مالک جزء متحد امریکا نیز مقررات قریب بآن وضع کرده عنوان کارشناس حسابداری را رسمیت داده مقید بقیودی گردانیدند.

از مقدمات بالا چنین نتیجه میگیریم که برای داشتن کارشناسان حسابداری که بتوانند بخوبی از عهده انجام وظائف سنگین خود بر آیند در مقدمه لازمست اولاً قانونی بودن نام کارشناس حسابداری و اختصاص آن بعده معینی که واجد شرائط لازم باشند و این منظور تا حدی بواسطه قانون کارشناسان مصوب بهمن ۱۳۱۷ تأمین گردیده است

ثانیاً - تشکیل کلاسهای مخصوصی برای تربیت کارشناسان حسابداری چه در دانشگاه تهران و چه در خارج و تعیین حد اقل معلومات و مدت تجربه‌ای که برای گرفتن پروانه کارشناسی رسمی حسابداری لازمست.

ثالثاً - رجوع اموریکه در سطور پیش از وظائف کارشناسان حسابداری شمرده شده منحصراً بکارشناسان رسمی رابعاً - قائل شدن ارزش واقعی و ادای حق کارشناسان بطور شایسته و آرومند تا اینشغل از صورت ابتذال خارج شده اشخاصیکه تحصیل کرده و کار آزموده هستند حاضر شوند باینکار تن در دهند.

واضحست که با مقدمات پیش چنانچه بامر کارشناسان حسابداری توجهی شود بسیاری از اختلافات از میان برخاسته و بدون اقامه دعوی تصفیه خواهند گردید.

حسن رستگار

دنباله شمارهٔ پیش

بحث در حقوق جزائی فرانسه

سرقت آب بوسیله نصب شیرهای مخفی دیوان کشور در مقام تطبیق عمل با مقررات ماده ۳۷۹ قانون جزا عمل شخصی را که مشترك کمیانی توزیع آب بوده و آبونمان دوشیر را می برداخته و دو شیر دیگر اضافی بدون اطلاع کمیانی آنها بطور مخفی نصب نموده و بدون پرداخت قیمت اضافه بیش از مأخذ مقرر استفاده از شرب می کرده است بزه شناخته و مرتکب را دزد قلمداد کرده و نیز در قضایای شبیه به این موضوع هم نفس عمل قانونی تعبیر بسرقت شده مثل ایجاد غرر و گول زدن مشتری نسبت بکمیت مبیع (قانون اول اوت ۱۹۰۵) یا مشترکی که سوزن کنتررا برای جلوگیری از تعیین میزان حقیقی آب مصرف شده تغییر داده و بضرر کمیانی از عمل خود اغتنام کرده باشد که تصمیم دیوان کشور در دو موضوع رادر حکم و احد شناخته است و با اینکه در دو مورد مذکور اختلاف موجود است

باین تقدیر که در قسمت اول نصب شیر مخفی را که بی اطلاع کمیانی بوده است دزدی تلقی و در دومی که فقط بوسیله عملیات متقلبانه سوزن کمتر را ببنفع خود تغییر داده است چون نصب کمتر با اطلاع و مداخله کمیانی بوده اولی واضحتر است که کلاه برداری شناخته شود نه دزدی ولی بهر تقدیر از حیث کیفیات قانونیه صفات متمایزه بین این دو قسیمی موجود نبوده و هر دو موضوع عنواناً در حکم واحد شناخته شده است

این موضوع بقدری حائز کمال اهمیت و اعتبار بود که دیوان کشور مقررات ماده ۳۷۹ را بسط و توسعه داد و عملیات مشترك برقی را که بوسیله اتصال سیم تقلبی بیشتر از میزانی که آبونمان برق را برداخت می کند استناد کرده است عمل او را هم سرقت دانسته است.

این موضوع در آلمان بیشتر مورد نظر و ملاحظه

جواب این سؤال منفی است وقتی که او را یککنفر خریدار بقید شرط تلقی کنیم ولی هرگاه او را یککنفر امین تصور نمائیم که مال را امانت در دست داشته و نسبت بصاحبش رفتار خائنانه کرده است عملش مشمول ماده مستندبها تلقی شده قابل تعقیب جزائی است.

اینموضوع مورد مشاجره واقع و تصمیم دادگاه استیناف پاریس در مقام تأیید حکم دادگاه جنحه سن که در دهم دسامبر ۱۹۳۷ صادر گردیده اختلافات و حل کرده و در حال صدور حکم برائت این قبیل از امور را صرفاً حقوقی دانسته و عمل را معامله مشروط تلقی کرده است این تصمیم مطابق تصمیماتی است که سابقاً هم اتخاذ شده است در حقیقت جریان عدل و انصاف هم اقتضای صدور چنین تصمیمی را دارد زیرا که محل شبهه و تردید نیست که شخص شاکی در جریان معامله قصد انتقال مالکیت اجناس را به خریدار داشته و اگر موقع تنظیم قرار داد هم او را محدود و مقید کرده برای احتراز از بی تأثیری مقررات حقوقی در باب تخلف از تعهدات است که من باب تحکیم معامله و اطمینان به حصول قیمت صورت جزائی داده و حال آنکه در بر قراری این شروط قصد انشائی بیش از محکم کردن کار خود و استوار نمودن تعهد خریدار روی اصول محکمی نداشته پس عمل حقوقی و تصمیم صاحب مال به تضییق خریدار در صورت تخلف شرط مجوز تحویل امر حقوقی به جزائی نیست زیرا که وقتی عمل را می توان بزه دانست که باستناد مواد مجازاتی قبلاً جزائی تشخیص شده باشد نه میل فروشنده و حق تعهد خریدار هم به این کیفیت که در صورت عدم انجام شرط عملش جزائی و مستحق مجازات خواهد بود به انتهائی مجوز قانونی برای تعقیب جزائی نبوده رافع اثر رابطه حقوقی بین متعاملین نیست . تا تمام

رایج شده است بطوریکه اصول قضائی در آلمان حقوق و امتیازات معنوی را هم مشمول این قاعده و قانون قرار داده و بطور کلی روجه قضائی در فرانسه این است که بعضی از تعبیرات لازمه در اطراف قانون برفع احتیاجات اجتماعی جائز است زیرا که قاضی در عین حال که قانون را مطمح نظر در حین اصدار حکم قرار میدهد باید کشفیات علمی و صنعتی و احتیاجات امروزی جامعه را هم مورد ملاحظه قرار داده و همانطوریکه در آلمان روی اصل (حفظ اخلاق و وجدان اجتماعی ملت آلمان) رفتار شده و یا اینکه در روسیه مصالح توده رنج بروکار گرم ملحوظ نظر است تاویلات قانونیه قائل شود.

معامله بقید شرط

ایجاب مجازات یا جریمه در صورت سوء استفاده از حسن نیت و اطمینان با در نظر گرفتن مقررات ماده ۴۰۸ از قانون جزا محدود کردن تعهدات و قرار دادها به حد معین همچنین تعیین مواردی که فقط سوء استفاده از حسن نیت و اطمینان صادق است عاری از اشکال نیست مثلاً یککنفر تاجر عدل فروش مقداری مال التجاره به تاجر خورده فروش داده او را مأمور فروش مال التجاره بشرط تأدیة قیمت آن نموده و قید می کند که در صورت عدم موفقیت خورده فروش به اینکه تمام اجناس را بفروشد عین باقیمانده را تسلیم نماید اگر تاجر خورده فروش انجام تعهد نکرده و بادر صورت عدم تمکن به پس دادن جنس امتناع از تأدیة قیمت نماید آیا موردی باقی است که عملش را مشمول مبحث سوء استفاده از اطمینان فرض کنیم؟